

یک کلانتری کاملاً زنانه



اینجا به جز همکاران زن همه زن هستیم

● **تینا فیوضی / پلیسی از آن شغل‌های جذاب است که بخش خیلی خیلی جذاب آن شاید همان چیزهایی باشد که در تلویزیون و سریال‌ها دیده‌ایم. پلیس‌هایی که اسلحه دارند و دفاع شخصی بلد هستند و با چند حرکت، خلافکاران را نابود می‌کنند. این جنس رفتارها وقتی به سمت زنان پلیس می‌آید، برای دختران و زنان خیلی جذاب‌تر می‌شود و شاید در ذهن بعضی‌ها هم این جرقه بخورد که من هم بروم و پلیس شوم!**

در بین کلانتری‌های سراسر کشور، مشهد ما یک کلانتری دارد که به نام بانوان است، دقیقا به آن می‌گویند، کلانتری بانوان. این کلانتری از سال ۸۲ به صورت رسمی راه‌اندازی و افتتاح شده اما به صورت آزمایشی از سال ۷۸ به عنوان یک کلانتری درجه ۳ در حریم رضوی شروع به خدمت‌رسانی کرده و مأموریت‌های آن حول محور حرم مطهر بوده است اما این مأموریت‌ها در گذر زمان تغییر کرده و اکنون سراسر شهر مشهد و حاشیه آن را شامل می‌شود. کلانتری‌ای که ریاست و همه مأموران و البته بیشتر مراجع و متهمان آن زنان هستند و همانند کلانتری‌های دیگر، دایره پیش‌گیری، دایره مددکاری، دایره تجسس، دایره اطلاعات و دیگر بخش‌ها را دارد. دستگیری زنان سارق، دستگیری زنان معتاد متجاهر، دستگیری زنان ولگرد و دختران فراری و... کار کلانتری بانوان است. به طور کلی هرگونه فعالیت و مأموریتی در خصوص زنان، به این کلانتری مربوط می‌شود. در حال حاضر ریاست کلانتری بانوان بر دوش سرهنگ دوم خدیجه خزایی است. او بیش از بیست سال تجربه خدمت در نیروی انتظامی دارد. با او درباره اتفاقات پلیسی، زنان پلیس، کلانتری بانوان و اینکه چه شد سراغ این حرفه متفاوت آمد به گفت‌وگو نشستیم.



کم‌کم احساس شد که به حضور پلیس زن نیاز است. البته هنوز پلیس زن به خوبی در جامعه شناخته نشده است. با تعاملات ما سعی کرده‌ایم این آشنایی را بیشتر کنیم

● **چه شد که به سراغ پلیس شدن آمدید؟**
دانشجوی رشته علوم اجتماعی گرایش مددکاری اجتماعی دانشگاه بودم و یکی از هم‌دوره‌ای‌هایم به من گفت: نیروی انتظامی استخدام دارد. بیا مشهد. ما اصالتا گنابادی هستیم و من آنجا ساکن بودم. مشهد آمدم و در مرکز مشاوره انتظامی استان خراسان رضوی ثبت‌نام کردم. کار در این زمینه را دوست داشتم ولی هیچ اطلاعاتی نداشتم. از ماه به عنوان مددکار اجتماعی در کلانتری به کارگیری شد. این طرح زمان فرماندهی دکتر قالیباف اجرا شد.

● **مجرد بودید؟**
بله.

● **چه سالی بود؟**
سال ۸۲.

● **خانواده مخالفتی نکردند؟**

نه، چون خانواده من یک خانواده نظامی است. برادر و خواهرم هم نظامی هستند. بعد که ازدواج کردم، پدرشوهرم هم نظامی بودند که بازنشسته شدند.

● **آن زمان در کلانتری دقیقا چه کاری انجام می‌دادید؟**

دقیقا کار حل و فصل پرونده‌های مختلفی بود که به کلانتری ارجاع می‌شد. در هر پرونده‌ای، از خانوادگی گرفته تا درگیری، کار ما حل و فصل بین شاکی و متهم بود تا به سازش برسند که اتفاقا آمار بالایی هم از سازش داشتیم. الان هم این طرح همچنان هست.

● **کار پلیسی برای شما سخت نبود؟**

پلیسی شغلی سخت است اما اگر همراه با علاقه و انگیزه باشد اصلا سخت نیست. فقط هوش، ذکاوت و برنامه‌ریزی می‌خواهد که بین پلیسی و خانه‌داری، همسری و مادری تعادل برقرار کنی و برنامه‌ریزی کنی که از یک جای زندگی نیفتی. مادام‌حال خدمت هستیم. ایام عید، جشن‌ها و عزاداری‌ها ما سرکار و آماده‌باش هستیم و باید خدمت‌گزار مجاوران و زائران باشیم.

● **سخت نشدید؟ از آن جنسی که همه حساب می‌برند؟**

بستگی به خود آدم دارد که نگاهش به شرایط چطور باشد. من نخواستم که در خانه رئیس باشم و در خانه و دیگر جمع‌ها بگویم من سرهنگم! من و همسرم تفاهم داشته‌ایم و هنوز هم او رئیس خانه است. اتفاقا او و دو فرزندم از من خیلی حمایت می‌کنند. اگر همراهی نکنند، اصلا نمی‌توانم ادامه خدمت بدهم.

● **بعد از دایره مددکاری به کلانتری بانوان آمدید؟**

چند سالی دایره مددکاری بود و بعد از آنکه تجارب و سابقه خدمت بالا رفت، سمت کار انتظامی آمدم. در این حوزه، کار افسر نگهبانی کلانتری و کارهایی را که در کلانتری هست انجام می‌دادم. من از صفر تا صد خدمت تا همین الان در کلانتری بوده‌ام. کار انتظامی یک مورد نیست و گسترده است. از باب رجوع، متهمان، ملاقات‌کنندگان و همه این‌ها مواردی است که در همه دایره‌هاست.

● **در آستانه بازنشستگی هستید؟**

خانم‌ها سقف خدمت ندارند. هم‌زیربست سال و هم بالای آن می‌توانند درخواست بازنشستگی دهند ولی تاجایی که مأموریت‌ها اقتضا کند باید بمانیم و خدمت کنیم. بازنشستگی ما